

بحثی پیرامون عجایب نامه‌ها و نظایر آن (معرفی غرایب الدنیا و عجایب الاعلیٰ شیخ آذری طوسی)

اکرم سلطانی

پژوهشگر مؤسسه لغت‌نامه دهخدا

(از ص ۱۳۱ تا ۱۴۹)

چکیده:

شاید بتوان گفت عجایب‌نامه‌ها نوعی از انواع ادبی است که ریشه در باورها، سنن و فرهنگ مردمان هر منطقه دارد. از دیرباز ناشناخته‌های عرصه خلقت نظر آدمیان را به خود جلب کرده و آنها را به فکر فرو برده است. آنچه را که به راز آنها پی نبرده و یا به خوبی نشناخته و یا برایش تازگی داشته است تحت عنوان عجایب و غرایب سینه‌به‌سینه نقل کرده و چه بسا از نقل آنها لذت‌ها نیز می‌برده است. بعضی از عجایب به افسانه بدل شده‌اند و پاره‌ای دست‌مایه نویسندگان گشته که بر پایه آن آثار ادبی گوناگونی را به وجود آورده‌اند. جغرافی‌دان‌ها و تاریخ‌نویسان از آنها بهره‌ها جسته و در واقع کتاب خود را به آنها مزین نموده‌اند و گاهی مطالبی نیز بر آنها افزوده‌اند.

آذری طوسی نیز آن عجایب و غرایب را دست‌مایه کار عرفانی و اخلاقی خود کرده و از دیدگاهی متفاوت، به عجایب نگریسته است. حاصل کار او کتابی است منظوم در قالب مثنوی در بحر خفیف، به نام «غرایب‌الدنیا و عجایب‌الاعلیٰ» که مضمونی کاملاً عرفانی دارد. این کتاب در اصل باب دوم و سوم کتاب چاپ نشده منظومی است به نام مرآت.

واژه‌های کلیدی: غریب، عجایب‌نامه، غرایب‌الدنیا، عجایب‌المخلوقات،

آذری طوسی.

به نام خداوندگار بزرگ نگارنده این جهان سترگ
که هر جا غریبی ست غمخوار اوست عجایب همه نقش پرگار اوست

(از مقدمه نگارستان عجایب و غرایب)

جهان آفرینش عجایب نامه‌ای است بی‌کران که غرایب آن را حد و حصری نیست. از دیرباز آدمیان نسبت به آنچه که تعجب آنها را برمی‌انگیخته است، توجه خاصی داشته‌اند و در واقع وجود همین ناشناخته‌ها و تفکر درباره آنها مایه گسترش اندیشه‌های آدمی شده است.

زکریای قزوینی مؤلف *عجایب المخلوقات تعجب* را از قول حکما چنین تعریف کرده است: «تعجب دهشتی است که عارض می‌شود انسان را از آنکه چیزی بیند و سبب آن ندیده باشد شگفت ماند از آن قبل از آنکه سبب آن دانسته باشد پس از آن اگر او را معلوم شود او را شگفتی دیگر حاصل شود». (عجایب المخلوقات، ج سنگی، قطع رحلی، ص ۶) آذری در معنی تعجب گوید:

عجب او حیرتی ست در انسان از قصوری که عاجز است در آن^(۱)
قزوینی در معنی غریب نیز گوید: «امری باشد که مثل آن کم واقع شود و مخالف عادات بود یا تأثیر نفوس باشد یا تأثیر امور فلکی یا تأثیر اجرام عنصری، از آن جمله معجزات انبیا است». (همان، ص ۹)

شیخ آذری گوید:

هست امری غریب آن نسبت که نباشد وقوع آن عادت^(۲)
هر چه بر دانش انسان افزوده شود دامنه عجایب محدودتر خواهد شد. استاد فقید *محیط طباطبایی* در مقدمه‌ای که بر کتاب نگارستان عجایب و غرایب نوشته‌اند اشاره‌ای عالمانه به باورهای پیشینیان نسبت به شگفتی‌های جهان دارند،

۱ و ۴. نسخه کتابخانه کاخ گلستان شماره ۲۱۵۶، ص ۷ (همه بیت‌های نقل شده از آذری از همین نسخه است).

می‌نویسند: «از اموری که در طبیعت وجود دارد مانند ابر و باد و مه و خوشید و... همه از عجایب است ولی به حکم تکرار رؤیت و عادت، از موجودات عادی و امور متعارف جلوه می‌کند در صورتی که جهش یک شهاب ثاقب یا درخشش یک ستاره دنباله‌دار و سقوط سنگی از آسمان را عجیب و غریب می‌نگریم.» (نگارستان عجایب و غرایب، پیشاوری، با مقدمه محیط طباطبایی، ص ۳)

قریب به همین مضمون را شیخ آذری دارد:

چون رسیدیم ما به حد کمال که بد ایام فکر و استدلال
یعنی آن دم که گاه فکر رسید که کند فکرت غریب پدید
آن عجایب ز چشم او ناچار رفته باشد ز دیده بسیار
هر چه بینند آن بسی مردم عجب آن ز دیده گردد گم (ص ۱۴)

استاد محیط طباطبایی در همان مقدمه اضافه می‌کند: «باید به خاطر داشت که هر پدیده‌ای که به دیده ما می‌رسد تابع اصل و قاعده‌ای از قوانین ثابت و لایزال طبیعت است اما جهل و غفلت ما از درک آن قاعده و قانون، ما را به وادی حیرت و تعجب می‌برد و هر چه را که به راز وجود آن پی نبرده‌ایم عجایب و غرایب به حساب می‌آوریم. (همان، ص ۴)

انسان از همان روزگار نخست که میدان بینش محدودی داشته تاکنون که دل ذره را شکافته است همواره در برابر بدایع خلقت اظهار تعجب کرده و این ژرف‌نگریستن به همان عجایب او را به تجسس و تفحص واداشته است. آنچه که امروز به نام دانش نصیب بشریت شده است در واقع کشف راز و رمز همان عجایب است - گرچه برخی بدین عجایب نگرشی سطحی داشته و فقط به نقل آن بسنده کرده‌اند.

بیشتر قصه‌ها و افسانه‌ها که سینه به سینه نقل شده و یا به نگارش درآمده‌اند، حاوی عجایبی هستند که شاید برخی از آنها زاده تخیل راویان آنها بوده است. چه

بسیار کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی که نویسنده عجایی را شاید به قصد رفع خستگی خوانندگان آورده باشد. چه بسیار افسانه‌ها که فقط برای برانگیختن اعجاب انسان شکل گرفته‌اند و امروز نیز چه بسیار فیلم‌ها که صرفاً برای برانگیختن اعجاب بیننده ساخته می‌شوند.

دکتر علی اکبر فیاض در مقاله لوسی‌ین (نویسنده یونانی زبان قرن دوم میلادی) نوشته‌اند (مجله بغما، سال ششم، شماره نهم، آذر ۱۳۳۲، ص ۳۷۵-۳۸۶): «ذکر عجایب و غرایب در کتاب‌ها سابقه قدیمی دارد و اختصاص هم به کتاب‌های فارسی و عربی ندارد. عجایب نزد رمان‌نویس‌های عصر لوسی‌ین موضوع شایعی بوده و ریشه قدیم دارد. ادیسه هومر خود نمونه‌ای از این قسم رمان است و ذکر عجایب نه تنها در رمان‌ها و قصه‌ها بلکه در کتاب‌های تاریخ قدیم معمول بوده و مورخین می‌خواستند به این وسیله نوشته خود را مورد توجه خوانندگان قرار دهند. نمونه آن در تألیفات شرق هم فراوان است از قبیل: سندبادنامه، اسکندرنامه، شاهنامه، گرشاسبنامه و امثال اینها.»

نظامی بزرگترین منظومه سرای ما در شرفنامه در جنگ ششم اسکندر با روس آدمیانی را وصف می‌کند که بر پیشانی‌شان شاخی رسته و هنگام خواب چون عقاب بالای درخت می‌خسبند^(۱).

بررسی عجایب هر منطقه و یافتن وجوه مشترک و افتراق آنها و نیز ریشه‌یابی روان‌شناسانه آن خود می‌تواند موضوع جالبی باشد که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست. همچنان که ذکر اساطیر و بیان شگفتی آنها مورد نظر نیست.

۱- ز پیشانی هر یک از مرد و زن سرونی‌ست بر رسته چون کرگدن

کسی را که آید تمنای خواب شود بر درختی چو پیران عقاب...

اولین کتاب در طلسمات و عجایب را ظاهراً بلیناس حکیم که یار و مونس اسکندر بود نوشت و بعدها کتاب او الگو و سرمشق عجایب‌نویسان شد (از لغت‌نامه دمخدا). در کتاب‌های عجایب نقل قول‌های فراوانی از او شده است.

یکی از کهن‌ترین کتاب‌های فارسی در عجایب عالم نوشته *ابوالمؤید بلخی* است که به اسامی *عجایب البلدان*، *عجایب الاشیا* و *عجایب الدنيا* نامیده شده است؛ نویسنده تاریخ سیستان از این اثر به نام *عجایب بر و بحر یاد می‌کند* (تاریخ سیستان، ج ۱، ص ۱۳). این کتاب را *ابوالمؤید* به نام *نوح بن منصور سامانی* که در بخارا حکومت می‌کرده نوشته است. اصل این اثر از میان رفته است.

کتاب دیگری که پیش از کتاب *ابوالمؤید بلخی* نوشته شده و متن فارسی آن موجود نیست کتابی است به نام *عجایب هند* نوشته *ناخدا بزرگ‌بن شهریار رامهرمزی* که در نیمه اول قرن چهارم هجری می‌زیسته است. ترجمه عربی و انگلیسی آن با چند تصویر چاپ شده است. کتاب مجموعه‌ای است از عجایب مربوط به چین و هند که دریاوردان ایرانی نقل کرده‌اند (این کتاب توسط محمد ملک‌زاده به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۴۸ توسط انتشارات بنیاد فرهنگ ایران به چاپ رسیده است).

اما مهم‌ترین و معروف‌ترین عجایب‌نامه‌هایی که امروز می‌شناسیم عبارتند از:

۱- *تحفة الغرایب*: از *محمد بن ایوب الحاسب طبری* (طبرسی) عالم قرن پنجم که در سال ۴۸۵ تألیف شده است. این کتاب از نظر تاریخ تألیف بر عجایب‌نامه‌های دیگر تقدّم دارد بنابراین جزو منابع اکثر عجایب‌نامه‌هاست. *دمشقی مؤلف* *نخبة الدهر*، از این کتاب بارها نام برده است. آنچه از این کتاب چاپ شده است به گفته مصحح باید قسمتی از اصل کتاب باشد نه همه آن. به هر حال آنچه چاپ شده است مشتمل است بر سی و چهار باب در عجایب هر صنف و دسته. (آقای جلال متینی مقدمه عالمانه‌ای بر این کتاب نوشته است، این کتاب در سال ۱۳۷۱ به وسیله انتشارات معین به چاپ رسیده است).

۲- عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (این کتاب به اهتمام دکتر منوچهر ستوده در

سال ۱۳۴۵ توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب به چاپ رسیده است): اثر **محمد بن محمود بن احمد طوسی**. این کتاب بین سال‌های ۵۵۵-۵۶۲ تألیف شده است. متن کتاب فارسی است و مشتمل است بر ۱۰ رکن، هر رکن شامل چند باب و فصل در عجایب اجرام، بحار، بروج، انهار و ارض و... چند اسمی بودن این کتاب سبب اختلاف محققان در نام مؤلف شده است. در صفحه پنج مقدمه مؤلف آمده است: «و ما عجایب عالم آنچه دیده‌اند و شنیده یاد کنیم... و آن را نام کردیم عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات...» و در صفحه هجده نوشته است: «و ما این عجایب نامه کردیم تا اهل اسلام آن را می‌خوانند» و در جای دیگر آمده: «بعد از این اقاویل حکما در آن بگوییم تا آگاه باشی از آن که ما این کتاب را نام کردیم جام گیتی نمای» (ص ۲۶). آقای جعفر مدرس صادقی در سلسله انتشارات نشر مرکز به نام بازخوانی متون از این کتاب، کتابی را ترتیب داده است که آن را عجایب نامه نام نهاده و مؤلف آن را محمد بن محمود همدانی نوشته است. عدم اشاره به چاپ این کتاب به اهتمام دکتر منوچهر ستوده از یک سو و تغییر عنوان کتاب و نام مؤلف از سوی دیگر خواننده را به اشتباه می‌اندازد تا آنجا که گمان می‌کند این اثر کتاب دیگری است از مؤلفی دیگر).

مؤلف کتاب را به ابوطالب طغرل بن ارسلان بن طغرل یکی از سلاجقه عراق اهدا نموده است.

۳- عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات (این کتاب ۵ بار به فارسی و اولین بار

بوسیله خود مؤلف ترجمه شده و بارها در هند و ایران به چاپ رسیده است. چاپ سنگی آن در قطع رحلی به خط محمدحسین الخوانساری (۱۳۰۹) به درخواست ناصرالدین شاه چاپ شده است. این چاپ مصور است. چاپ دیگر آن به تصحیح آقای نصرالله سبوحی در سال ۱۳۶۱ در تهران به صورت مصور چاپ شده است. این کتاب در حاشیه چاپ دو جلدی حیوة الحیوان (چاپ مصر) دمیری به عربی نیز آمده است): اثر **زکریا بن محمد بن محمود المکمنی** (این نام در مقدمه تحفة الغرایب «المکونی» آمده است. در الذریعه ج ۱۵ ص ۲۱۹ هم «الکمنی» ذکر شده است.) **القزوینی** (به زکریای قزوینی به خاطر همین کتاب، بلیناس شرق لقب

داده‌اند. (از لغت‌نامهٔ دهخدا: ذیل قزوینی، زکریا.) که در نیمهٔ اول قرن هفتم تألیف شده است. این کتاب دارای نثری ساده و روان است. مشتمل است بر دو مقاله: مقالهٔ اول در علویات، مقالهٔ دوم در سفلیات هر مقاله تقسیم شده است به چند نظر و هر نظر تقسیم شده است به چند فصل و قول که قول‌ها خود نیز بر چند قسم تقسیم شده‌اند. این کتاب را همچون عجایب‌المخلوقات محمد طوسی می‌توان دائرة‌المعارفی دانست از علوم پزشکی، جغرافیا، نجوم، گیاه‌شناسی، معادن، علم تشریح، جامعه‌شناسی و ریاضی (دکتر ذبیح‌الله صفا این کتاب و کتاب آثارالبلاد و اخبارالعباد اثر دیگر مؤلف را در حقیقت دائرة‌المعارف واحدی دربارهٔ عالم و موجودات و مخلوقات دانسته است (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۳، ص ۲۷۹)) و... نویسنده ضمن پرداختن به هر مقوله عجایب مربوط به آن را نیز ذکر می‌کند.

۴- **خواص‌الحيوان**: این کتاب اختصاری است از کتاب **حياة الحيوان الكبرى** دمیری که به وسیلهٔ محمدتقی تبریزی به زبان فارسی ترجمه شده و مشتمل است بر حکایات غریبه و نقول و روایات عجیبه و خواص هر یک از حیوانات از منافع و مضار. این کتاب مصور است و ضمیمهٔ انیس العشاق حسن‌بن رامی آمده است. چاپ سنگی آن در کتابخانهٔ موسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا موجود است.

۵- **حياة الحيوان**: اثر شیخ کمال‌الدین دمیری (د: ۸۰۸) کتاب به زبان عربی است که در نیمهٔ دوم قرن نهم تألیف شده است. این کتاب در دو جلد در مصر به چاپ سنگی رسیده است. موضوعات کتاب بر حسب حروف تهجی ترتیب یافته است. عجایب‌المخلوقات قزوینی در حاشیهٔ این کتاب به زبان عربی آمده است.

۶- **نخبة الدهر فی عجایب البرّ و البحر**: اثر شمس‌الدین محمدبن ابی طالب انصاری دمشقی است که در زمینه‌های جغرافیا و تاریخ و ذکر شگفتی‌های کرهٔ زمین با دو فصل نسبتاً کامل دربارهٔ نجوم و کانی‌شناسی به زبان عربی نگاشته شده است. (این کتاب توسط سیدحمید طبیبیان به فارسی ترجمه شده و در سال ۱۳۵۷ به چاپ رسیده است.)

۷- نگارستان عجایب و غرایب: تألیف پیشاوری. نام نویسنده آن و همچنین نام کتاب شناخته نیست ولی به قرینه برخی حکایات و مشاهدات که مؤلف ذکر می‌کند از مردم پیشاور است. این کتاب بین سال‌های ۱۱۳۱ تا ۱۱۶۵ ه.ق. تألیف شده است. مؤلف در جای جای کتاب خود نام کتاب‌های معروف و غیرمعروف و مؤلفین مختلفی را یاد می‌کند (مؤلف نام ۶۷ کتاب را در اثر خود آورده است) که از آنها مطالبی را نقل کرده است ولی معلوم نیست تا چه اندازه در نقل این مطالب امانت به خرج داده و دقت ورزیده است. این کتاب شاید آخرین عجایب‌نامه‌ای باشد که به سبک و سیاق قدما به تحریر درآمده است.

موضوع همه کتاب‌های ذکر شده با عنوان آنها هماهنگی داشت اما آثاری هم تألیف گردیده‌اند که موضوع آنها عجایب و غرایب نیست ولی به گونه‌ای در آن عجایب و شگفتی‌های جهان خلقت نقل شده است معرفی همه آنها از حوصله این مقال خارج است؛ در اینجا فقط پاره‌ای از آنها را که در این مقاله مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌ام نام می‌برم:

- تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، اثر غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی، معروف به خواند امیر، به اهتمام دکتر دبیرسیاقی، با مقدمه جلال‌الدین همایی، تهران ۱۳۵۳.

از قبل از اسلام - تا زمان صفویه، ۴ جلد.

مؤلف حدود صد صفحه از پایان کتاب را به ذکر بدایع و غرایب ربیع مسکون و عجایب وقایع جهان اختصاص داده است.

نزّهة القلوب، حمدالله مستوفی، تاریخ تألیف: ۷۴۰ ه.ق. به اهتمام گای لیسترانج، چاپ لیدن، سال ۱۳۳۱، قطع وزیری. و به اهتمام دکتر محمد دبیرسیاقی، ۱۳۳۶، تهران، در وصف بلدان و ولایت و بقاع و عجایب آن.

نزّهت‌نامه علایی، تألیف شهردان بن ابی‌الخیر، تصحیح دکتر فرهنگ جهانپور،

- مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی تهران، ۱۳۶۲.
- در خواص و منافع و طبایع مردم و حیوانات از سباع و وحوش و بهایم و طیور و حشرات زمینی و اشجار و جواهر و احجار در شش مقاله.
- روضه‌الصفاء، محمدبن خاوندشاه بلخی (میرخواند)، به اهتمام دکتر عباس زریاب، ۱۳۷۳، تهران، در ده جلد (دوره ۲ جلدی آن نیز وجود دارد، ۱۳۳۸)، در تاریخ، از آغاز آفرینش آدم تا سلطنت سلطان ابوسعید.
- تاریخ و صاف الحضرة، ادیب فضل‌الله بن عبدالله شیرازی، مشتمل بر ذکر احوال سلاطین مغول، قطع رحلی، ۱۳۳۸ ه. ق. تهران، چاپ سربی.
- تحقیق ماللهند، ابوریحان محمدبن احمد بیرونی، در احوال هند عقاید، معارف، کتب، علوم و جغرافیا و...
- الحيوان، جاحظ ۱۵۰-۲۵۵ ه. ق. در هفت جلد، در مصر و بیروت چاپ شده است.
- تحفه حکیم مؤمن، محمد مؤمن حسینی طیب، با مقدمه دکتر محمود نجم‌آبادی، ۱۳۳۸، چاپ سربی. این کتاب یکی از بزرگترین کتب طبی دارویی تمدن اسلامی ایرانی است که بر اساس حروف الفبا تنظیم گردیده.
- هفت کشور یا صورالاقالیم، از مؤلفی ناشناخته در سال ۷۴۸ ه. ق. به تصحیح دکتر منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- هفت اقلیم، اثر امین احمد رازی، ۱۰۱۰ ه. ق. تصحیح جواد فاضل در سه جلد ترجمه مسالک الممالک، اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد معروف به کرخی (د: ۳۴۶) نام مترجم ناشناخته است. ترجمه متعلق است به قرن پنجم یا ششم هجری، در جغرافیا.
- نفایس الفنون فی عرایس العیون، اثر محمدبن محمود آملی به فارسی متضمن هشتاد و پنج علم در چهار مقاله.

کتاب‌های ذکر شده همگی منشورند، تنها عجایب‌نامه منظوم که سراینده آن هدفی متفاوت از اهداف مؤلفان دیگر عجایب‌نامه‌ها داشته است، مثنوی غریب‌الدنیا و عجایب‌الاعلی، اثر شیخ آذری طوسی (علی حمزه بن علی ملک‌بن طوسی البیهقی معروف به شیخ آذری طوسی، از عارفان و شاعران شیعه‌مذهب و پرکار قرن هشتم و نهم است که به سال ۷۸۴ در اسفراین به دنیا آمده‌است. نام او در همه تذکره‌ها آمده است. مدتی از عمر خود را در سفر بوده و در دربار شاهان بهمنی هند نیز مدتی زیسته است. از آثار اوست: مفتاح‌الاسرار (در مقدمه این کتاب مؤلف شرح زندگی خود را مفصل نوشته است)، جواهرالاسرار، منظومه مرآت شامل چهار باب (غریب‌الدنیا و عجایب‌الاعلی باب دوم و سوم این کتاب است)، بهمن‌نامه (در احوال شاهان بهمنی هند)، دیوان اشعار و...، هیچیک از آثار او بجز قسمتی از جواهرالاسرار تاکنون به چاپ نرسیده است.) است.

این کتاب تاکنون به چاپ نرسیده و فقط نسخه‌های خطی آن موجود است. اغلب کسانی که به معرفی این کتاب مبادرت نموده‌اند آن را باب دوم و سوم منظومه مرآت (این منظومه نیز تاکنون به چاپ نرسیده است) شیخ آذری دانسته‌اند. مرآت منظومه‌ای است عرفانی درباره صورت آفرینش عالم و موجودات شامل چهار باب بدین عناوین طامة الکبری - غریب‌الدنیا - عجایب‌الدنیا (الاعلی) - سعی و صفا، آذری خود گوید:

بود صورت نمای موجودات	زان سبب نام کردمش مرآت
مشمول شد چو بر چهار ابواب	چار نام آمدش ز چار کتاب
اولین نسخه طامة الکبراست	نام ثانی غریب‌الدنیاست
آن غریب همه اشارات است	وین عجایب همه عبارات است
سومینش عجایب‌الدنیا	نام چارم کتاب سعی و صفا

مرآت (این نسخه سعی و صفا را ندارد) (نسخه شماره ۷۶۹۴ مجلس، ص ۹)

نام این کتاب در فهرست نسخ هم در ردیف «م» مرآت، هم در ردیف «ع» عجایب‌الاعلی (الدنیا) و هم در ردیف «غ» غریب‌الدنیا آمده است. در صورتی که

هر سه کتاب یکی است. باب دوم و سوم این منظومه ظاهراً بیش از باب‌های دیگر مورد توجه کاتبان قرار گرفته است زیرا از این دو باب نسخه‌های متعددی موجود است.

این دو باب نیز در یک باب پشت سر هم آمده است، به طوری که هیچ بیتی که نشان از اتمام باب دوم (غرایب) و شروع باب سوم (عجایب) باشد نمی‌شود یافت به یقین می‌توان گفت این هر دو یکی است زیرا آذری خود در قسمت‌های پایانی کتاب گوید:

وقت شد تا کشم عنان را باز که حدیث غرایب است دراز
غایتی نیست این غرایب را آخری نیست این عجایب را
هر چه گویی به عمرهای دراز آخر آن بود هنوز آغاز (ص ۱۸۱)

بعضی گمان کرده‌اند عجایب‌الدنیایی که آذری به کرات در کتاب خود از آن نقل می‌کند کتاب دیگر اوست، در صورتی که منظور از عجایب‌الدنیای ذکر شده همان عجایب‌الدنیا یا عجایب‌المخلوقات زکریای قزوینی است. در دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی آمده است: «مأخذ اصل این مجموعه عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات زکریای قزوینی است که مؤلف غالباً از آن به عنوان عجایب‌الدنیا یاد می‌کند.» گرچه خود آذری عجایب‌الدنیا را به ناصر خسرو نسبت می‌دهد. (در آثار ناصر خسرو کتابی به نام عجایب‌الدنیا نیامده است اما آذری در پنج جا این کتاب را به ناصر خسرو نسبت می‌دهد شاید منظور آذری کتاب عجایب‌الصُّنعه ناصر خسرو باشد که از آن نسخه‌ای به دست نیامده است و شاید هم سفرنامه باشد که در آن ناصر خسرو عجایی را ذکر می‌کند. نک: مقدمهٔ دکتر دبیرسیاqui در سفرنامه)

همچنین آذری نقل قول از عجایب‌الدنیا را با ضمیر سوم شخص آورده است:

هم به مصر از عجایب‌الدنیا گفت سنگی بود به شکل حصا (ص ۶۳)
در کتاب عجایب‌الدنیا هم در آن تب بمیرد او گفت (ص ۷۳)

ناصر خسرو این روایت‌ها می‌کند در عجایب‌الدنیا (ص ۱۵۶)
 زین مقوله عجایب‌الدنیا می‌کند نقل نبود آن به خطا (ص ۱۷۰)
 همان‌گونه که ذکر شد این کتاب با عنوان‌های ذیل در تذکره‌ها و در فهرست نسخ
 آمده است: مرآت - عجایب‌الدنیا - عجایب و غرایب - غرایب‌الدنیا و
 عجایب‌الاعلی - عجایب‌الغرایب (دکتر ذبیح‌الله صفا در تاریخ ادبیات در ایران جلد سوم، ص ۳۲۸
 این عنوان را نام منظومه مستقلی (علاوه بر دیوان) ذکر کرده است و اشاره‌ای به منظومه مرآت و غرایب‌الدنیا و
 طامه‌الکبری نکرده است.) و غرایب‌الدنیا. اما ظاهراً عنوان غرایب‌الدنیا و
 عجایب‌الاعلی (در فهرست نسخ خطی کاخ گلستان به این نام آورده شده است.) با توجه به این بیت
 صحیح‌تر به نظر می‌آید:

دو کتاب و نمونه دو جهان این غرایب شد آن عجایب دان
 اسم اول غرایب‌الدنیا اسم ثانی عجایب‌الاعلی
 گویم اول غرایب دنیی بعد از آن پس عجایب علوی (ص ۳)
 آذری انگیزه سرودن این کتاب را این‌گونه نقل می‌کند:
 چون که تفسیر دفتر کلمات نیست مقدر فهم مخلوقات
 سخنی چند از غرایب آن بنویسم به قدر فهم و توان (ص ۵)
 و می‌گوید مقصود از تألیف این کتاب نشان دادن هنر شاعری نیست لذا از آوردن
 صنایع شعری پرهیز می‌کند و شعر مصنوع را شعری خالی از معنی می‌داند:
 شاعری و تکلفات کلام نیست مقصود هم در آن احرام
 شعر مصنوع بهر تحسین است و آن مثال کدوی نقشین است
 بی تکلف حدیث گو چو گوهر همچو صندوق شاه پر جوهر (ص ۵)
 و در جای دیگر گوید:
 شعر پرمغز باید و سنگین پوست هرگز مباحش گورنگین (ص ۵)
 و بعد می‌گوید این کتاب را از سر ذوق و شوق سروده است:

نیست اینجا قرینه لفظی و اصطلاحی که باشد آن حفظی بلکه اینجا قرینه ذوق است گوش گیرد هر آنکه با شوق است (ص ۵) و سرانجام می‌گوید:

هست این نسخه مغز جمله علوم می‌شود مغز کون از او معلوم حرف‌های خزاین عالم اندرین لوح برده‌ام به قلم همه علم است و حکمت و دانش جامع جمله دانشی دانش نیست در وی حکایت خط و خال هست این قصه جلال و کمال (ص ۶)

هست ابواب این خجسته کتاب همه حمد مفتح‌الابواب قصه دیگران چرا جویم هم از او گویم آنچه می‌گویم (ص ۶) آذری قالب مثنوی را بهتر از قالب‌های دیگر شعری برای بیان مقصود خود می‌یابد و از محور عروضی نیز یکی از متفرعات بحر خفیف را انتخاب کرده است: عمل مثنوی ست استعداد نه همین ذکر خسرو و فرهاد (ص ۵) و هدفش این بوده است که یک مثنوی بسراید در حد مخزن‌الاسرار نظامی و یا منطق‌الطیر عطار و یا حدیقة‌الحقیقه سنایی و یا مثنوی مولوی اما اینکه چقدر توانسته است به هدفش برسد و چه میزان در این کار موفق بوده است نیاز به بررسی موشکافانه‌ای دارد که در این مقال نمی‌گنجد.

ج - وجوه اختلاف کتاب آذری با نظایر آن:

آنچه کتاب آذری را از نظایر آن جدا می‌سازد عبارتند از:

۱- تمام کتاب‌هایی که در این زمینه به تحریر درآمده است به نثر است تنها کتاب آذری است که به شعر سروده شده است.

۲- هدف نویسندگان آن کتاب‌ها صرفاً بیان عجایب و غرایب به قصد برانگیختن اعجاب خواننده بوده است، اما هدف آذری این نبوده بلکه او خواسته

است بیان عجایب را وسیله‌ای برای تبیین نظرات عرفانی خود قرار دهد. هیچ عجیب و غریبی را بدون استنباط عرفانی بیان ننموده است و همین مسئله است که برای هر عجیب و غریب که آن را «اشارت» می‌داند «سرالاشارت» آورده است. نقل داستان و گرفتن فواید اخلاقی از آن در رشته ادب و عرفان در فرهنگ فارسی و اسلامی سابقه طولانی دارد، آذری به تاسی از سنایی، عطار، مولوی و دیگران به این کار پرداخته است.

هدف وی هم آن بوده که در ضمن نقل موضوعاتی شگفت‌آور و عجیب و غریب ذهن و اندیشه خواننده را جذب کرده و به دنیای درونی برده و سپس آن شگفتی‌ها را با حالات و صفات انسانی تطبیق داده، به اصطلاح از آنها نتیجه عرفانی و فواید اخلاقی بگیرد. با این همه کتاب غرایب نمایشگر جهان‌بینی عرفانی آذری است که در آن نظرات انسانی و اخلاقی و عارفانه این سخنور عارف مسلک کاملاً نمودار است. آذری در طی آن داستان‌ها به موشکافی‌های دقیق روانی و اخلاقی پرداخته و آنها را به طور گسترده بیان کرده است. او خواسته است خواننده را از غرق شدن در یک زندگی حیوانی بر حذر داشته و او را به یک زندگی اخلاقی و معنوی دعوت نماید. اما چقدر در این کار موفق بوده است معلوم نیست.

ذکر چند نمونه از عجایبی که در عجایب‌نامه‌ها آمده و آذری نیز نقل کرده و از آن نتایج اخلاقی گرفته است:

در عجایب‌المخلوقات قزوینی آمده است:

حکایت کرده‌اند که ماهی‌ی را دیدم به قدر کوه عظیمی و از سر تا دنبال او همچون دندان‌های منشار و هر دانه او به قدر یک گز سیاه چون آبنوس و آنجا که سرش بود عظیم دراز بود هر یک مقدار ده گز و آب از دهن و بینی وی بیرون می‌آمد و به هوا برمی‌شد و رشاشات او به مرکب ما می‌رسید همچنان که باران می‌آمد و يقال له البال درازای او چهارصد گز تا پانصد گز باشد در بعضی اوقات پاره‌ای از

جناح او از آب بیرون می‌آمد به قدر شرعی عظیم و چون فساد او در بحر بسیار باشد باری تعالی ماهی بی بفرستد که او را اشک گویند و یک گز قدّ او است و در گوش او رود و از او مفارقت نکند تا ملالش سازد و چون اشک در گوش او رود به قعر دریا فرو شود و در روی آب افتد. (ص ۸۴ چاپ سنگی)

آذری این گونه آورده است:

ماهی بی هست لیک در دریا	پشت او خارهای اژه‌نما
خارهایی بود دراز و سیاه	که ز تیزی کند در آهن راه
بر سرش ز استخوان دو تا نیزه	که به آهن نگرده آن ریزه
می‌شکافد به نیزه‌های دراز	که کند بحر از آن شکاف آواز
نام او هست در کتب منشار	هست در بحر مظهر قهار
چون به کشتی رسد به یک‌باره	جز شکستن نباشدش چاره

سرالاشارت

هست آن ماهیان ناهنجار	اندرین بحر صورت اشرار
هست دریا هوای نفسانی	وین نهنگان جنود شیطانی
هست در لجه هوا از رب	هریکی صورتی ز قهر و غضب
آرزوهای موج دریا بار	ماهیانند جمله مردم‌خوار
تن چو کشتی است اندرین دریا	راه‌بر بادبان فضل و عطا

عجایب المخلوقات قزوینی:

خجرات کوهی است به ترکستان زمین قومی از ترک، چنین گویند که در این کوه ماران باشند هر که را نظر بر آن افتد در حال هلاک شود و آن ماران هیچ از آن کوه بیرون نیایند و اگر بیرون آیند هر کس آنها را ببیند هلاک شود و صاحب تحفة‌الغرائب گوید که این کوهی است مشهور اگر کسی بدان کوه نجاستی اندازد بادی سخت بادید آید چنانکه هم خرابی باشد. (ص ۱۰۳ چاپ سنگی)

آذری گوید:

اشارات

هست کوهی دگر به ترکستان اندر آن هست اینچنین ماران
 که به خاصیت آن همین سان است که لقاشان هلاک انسان است
 خبث این مارها به حکم حدیث بهتر از خبث آدمی خبیث
 زهر صد مار قاتل و کژدم نکند آن که خبث نامردم
 زان همه خبث او بتر می‌دان زخم او بر تن است و این بر جان
 حذر از خبث کی توان به حیل گفته‌اند این حدیث را به مثل
 زی‌نهار از قرین بد زنهار و قنا ربنا عذاب النار
 قزوینی آورده است:

... و منها جزيرة الحامه (در غرایب‌الدنیای آذری طوسی حابه آمده است) و در این جزیره
 کوهی است بر آن کوه همه شب آتشی عظیم بینند و به روز دودی بود و در آن جا
 قومی باشند اشقر و در این جزیره نار جیل و عود و موز قصب‌الشکر بسیار باشد و آن
 قوم اشقر روی ایشان بر سینه باشد و ایشان را گردن نبود. (ص ۷۲ چاپ سنگی)
 آذری گوید:

در معرفت جزیره الحابه و غرایب آن

هست از آنها جزیره الحابه کرده کوهش به آسمان لابه
 شب پر از آتش است جمله کوه روز باشد بخار پرانبوه
 رسم باشد دروگروه شدن لیک نتوان به گرد کوه شدن
 هست قومی درو پر از کینه روی آن قوم جمله بر سینه

سرالاشارت

روی بر سینه‌شان از آن باشد تا اشارت به بی‌سران باشد
 یعنی هر کس که او ندارد سر نیستش غیر سینه روی دگر

همچو شیطان که شکل او مسخ است روی بر سینه صورت فسخ است
یعنی هر قوم را که مهتر نیست چون گروهی بود که شان سر نیست
سینه‌هایی بود پر از کینه مسخ باشند و روی بر سینه
رأس خوش او وجیه قوم بود سر چو نبود سفیه قوم بود
در راست و ناراست بودن حکایت‌ها و عجایب

از بررسی انجام شده بر این کتاب‌ها چنین برمی‌آید که اغلب حکایت‌ها و عجایب ذکر شده در آنها یکسان است و فقط شیوه نقل آنها تفاوت دارد؛ در واقع مؤلفان آنها را از یکدیگر نقل کرده‌اند. در پاره‌ای از آنها مؤلف نام منبع حکایت را ذکر کرده و در پاره‌ای هم به نام منبع اشاره‌ای نکرده است. در واقع منبع عجایب و حکایات، شنیده‌ها و خواندنی‌ها بوده است نه دیده‌های خود مؤلفان. در راست و درست بودن حکایت‌ها هم اغلب دور از تعصب بوده‌اند. در این باره زکریای قزوینی می‌نویسد: «خدای عزوجل گواه من است که در این کتاب هیچ خواص و حکایات و امثال از خود نگفته‌ام بلکه جمله را از کتب و روایات نقل کرده‌ام... اما باید هر که در این کتاب نظر کند تعجب مؤلف تصور کند و در امور... هر چند اموری که مخالف عادت باشد، ببیند در او انکار نکند الا که قدرت قادر را در جمیع مستولی بدانند.» (عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات، قزوینی، چاپ سنگی، ص ۴)

شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا در قسمت عاشر اشارات نوشته‌اند: «احمقی و نادانی آن کس که هر چه را بشنود بی تحقیق به دروغ انگارد کمتر از آن کس نیست که هر چیز را بشنود بی دلیل باور دارد و آن را به راست پندارد. پس در امثال عجایب و غرایب طبیعت صواب این است که آن را در بقعه امکان‌رہاسازی و بازاندازی مدام که برهان و دلیل قطعی تو را از آن باز نداشته است. ... انگیزش امور غریب و ظهور خوارق عادات در عالم طبیعت از سه مبدأ باشد یکی هیئت نفسانی دیگر خواص اجسام عنصری سدیگر قوت‌های آسمانی» (به نقل از کنوزالمعزمین با مقدمه، حواشی، مقابله و

نصحیح جلال‌الدین همایی، ص ۱۰).

و محمد بن محمود بن احمد طوسی مؤلف عجایب المخلوقات می‌نویسد: «ما این کتاب را جمع کردیم آنچه دیدیم در کتب‌ها مسطور... بعضی آن است که آن را شاهدهی نباید و ظاهر است... بر حاشیه آن رقم کردیم «ظ»... و بعضی از عجایب‌ها که شنیده‌ام از سیاحان و بر آن برهانی ندیدم قاطع و نتوان گفتن که آن دروغ است بر حاشیه آن رقم کردیم «شبه» یعنی شبهت است زیرا که انکار کردن خصلتی شوم است... مقصود آن است که انکار محمود نیست که نه هر چه یکی ندیده باشد دیگران ندیده باشند».

شیخ آذری نیز در این باره سروده است:

زان همه نیست هیچ یک مجعول بلکه هست از کتب همه منقول
 زین غرایب که گفته‌ام به عدد گر نباشد کنون به حال خود
 جای انکار و هم مضایقه نیست بل توقف در آن سخن اولی ست (ص ۶)
 و نیز می‌گوید:

قصه‌هایی که باشد آن بی مغز گر برای خداست باشد نغز (ص ۶۱)

نتیجه:

بررسی عجایب‌نامه‌ها می‌تواند موضوع کاری مستقل باشد زیرا آنگونه که باید مورد بررسی و تحقیق قرار نگرفته است. مثنوی عجایب‌نامه آذری طوسی یکی از این کتاب‌هاست که تاکنون در تذکره‌ها و دایرةالمعارف‌ها فقط به ذکر نام آن بسنده شده است. این کتاب از آنجا که از عجایب و غرایب نتایج اخلاقی و عرفانی گرفته است ارزش آن را دارد که با روش‌های جدید تصحیح و چاپ گردد. امید است که نگارنده بر مبنای این مقاله و با توجه به نسخی که از آن به دست آورده است، به تصحیح آن به روش انتقادی اقدام نماید.

منابع:

- ۱- غرایب الدنيا و عجایب الاعلی، آذری طوسی، نسخه خطی کاخ گلستان به شماره ۲۱۵۶.
- ۲- مفتاح الاسرار، آذری طوسی، نسخه خطی متعلق به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.
- ۳- تذکره دولتشاه، امیر دولتشاه سمرقندی، تهران، چاپ رضائی.
- ۴- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۵- دایرةالمعارف تشیع.
- ۶- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۳.
- ۷- عجایب المخلوقات، محمدبن محمودبن احمد طوسی، به اهتمام دکتر منوچهر ستوده.
- ۸- عجایب المخلوقات زکریا، محمدبن محمود المکمونى قزوینی، چاپ سنگی متعلق به مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ۹- نگارستان عجایب و غرایب، پیشاوری، با مقدمه محیط طباطبایی.
- ۱۰- تحفة الغرایب، محمدبن ایوب الحاسب طبری (طبرسی)، به کوشش جلال متینی ۱۳۷۱، تهران، انتشارات معین.
- ۱۱- مجله یغما، سال ششم، شماره نهم.

**On the Books of Strange
Items and Categories: Azari Toosi
Akram Soltani
Dekhoda Center for Lexicography**

The books written on the world strange items and categories may be called as a literary genre, too.

They also originate from the people's beliefs, traditions, customs, and culture of a specific region. Some of these strange items and categories have been turned into various tales of mysteries. The experts of other fields, such as geography, history, etc. have used them as well. Azari Toosi has considered them from a mystical and moral perspective. Based on his attitude toward them, he has created certain poetical works.

Key words: *strange items and categories, the books on strange items and categories, Azari Toosi.*